

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

شرح پیام ها و درس های ده بخش از ۱۱۰ فراز خطبه غدیریه

نگارنده: «مبلغ نخبه حجت الاسلام و المسلمین سید محمدتقی قادری»

خطبه غدیریه مهمترین سند بر اثبات ولایت امام علی علیه السلام است و بدون آن واقعه غدیر خم قابل فهم نخواهد بود، هجدهم ذی الحجه که سال روز این واقعه مهم فکری و سیاسی است بهترین فرصت برای همه ولایت مداران است که ده بخش از (۱۱۰) فراز این خطبه را مورد تامل قرار داده و نسبت به پیام ها درس های نهفته در این خطبه معرفت همه جانبه پیدا کنند.

از همین رو در این داشت کوتاه به شرح اجمالی محتوایی ده بخش از ۱۱۰ فراز خطبه غدیریه که رسول الله صلی الله علیه وآله در دهم هجرت پس از بازگشت از حجه الوداع در سر زمین جحفه (غدیر) در جمع حج گزاران به هنگام نصب علی علیه السلام برای امامت ایراد نمودند خواهیم پرداخت؛

یکم- «ضرورت شرح خطبه غدیریه»

دلیل اول؛ بر ضرورت شناخت خطبه غدیریه آن است که محققین اهل سنت، با این که اصل ماجرای غدیر را متواتر می دانند؛ ولی دست به مغالطه زده و کاملاً خطبه را تقطیع کرده و تنها فراز ((من كنت مولاه فهذا مولاه)) را آوردند و آنگاه واقعه به این عظمت را در حد اعلان دوستی رسول(ص) نسبت به امام علی(ع) با استناد به این که یکی از معانی کلمه (مولا) دوستی و محبت است تنزل دادند. کشف این مغالطه زمانی امکان پذیر است که همه خطبه غدیریه آورده و دیده شود و مهمتر از آن به درستی تفسیر شود.

دلیل دوم؛ بر ضرورت شرح خطبه غدیریه آن است که خطبه، (۱۱۰) فراز دارد و این (۱۱۰) فراز، به ده موضوع مهم همچون: توحید، نبوت، امامت، تولا و تبرا، حلال و حرام، مهدویت و... تقسیم می شوند. شناخت همه جانبه این ده موضوع به معنای شناخت همه معارف اسلامی است. چه فرصتی بهتر از ایام عید غدیر که هر ساله، محققین، بخش هایی از این خطبه را مورد شرح و تفسیر قرار دهند تا ولایت مداران عاشق حداقل با کلیاتی از این معارف ذخیره شده در خطبه غدیریه آشنا شوند.

دلیل سوم؛ بر این که تفسیر خطبه فدکیه وظیفه و رسالت است، این فراز از خطبه غدیریه است که پیامبر گرامی اسلام فرمودند: ((فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَيَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا: پس بایسته است که حاضر به غایب، و پدر به فرزند تا روز قیامت این پیام را برساند)) ابلاغ فرمان رسول الله(ص) به نسل بعدی فرع بر این است که نسل پیشین

فهم و درک صحیح از (۱۱۰) فراز خطبه غدیریه داشته باشند، فهم و دریافت همه جانبه از خطبه غدیریه، فرع شرح و تفسیر این فرازها دارد.

دوم- «خطبه غدیریه در منابع شیعه»

در منابع شیعه، کهن ترین منبع قابل اعتماد که این خطبه مفصل را از طریق امام باقر(ع) نقل کرده، «روضه الواعظین» شهید فتال نیشابوری است. این کتاب از مصادر مورد اعتماد شیخ حر عاملی(ره) در وسائل الشیعه بوده است.

درباره فتال، القابی چون: «متکلم»، «ثقه»، «جلیل القدر»، «فقیه»، «زاهد»، «ورع» به کار برده اند. (رجال ابن داود، الفهرست منتخب الدین، امل الاصل و وسائل الشیعه شیخ حر عاملی) به گفته فتال در مقدمه کتابش، شهرت روایت، او را از ذکر سند بی نیاز کرده و به عبارتی دیگر، وی روایات مشهور را نقل کرده است.

«الاحتجاج» احمد بن علی طبرسی - عالم، جلیل، فاضل، فقیه، محدث، ثقه (امل الاصل، وسائل الشیعه) - دیگر منبع شیعی و مورد اعتماد وسائل الشیعه است که خطبه طولانی غدیر را از طریق امام باقر(ع) نقل کرده است. «الاحتجاج» که به گفته نویسنده اش نقل روایات مورد اجماع یا مشهور میان موافق و مخالف است، خطبه غدیر را از راویان ثقه و الامامی همچون: شیخ طوسی و فرزندش ابوعلی حسن بن محمد بن حسن، هارون

بن موسی تلعبیری (راوی جمیع اصول و مصنفات، جلیل القدر، عظیم المنزلہ، عظیم النظیر، واسع الروایہ، ثقہ، معتمد رجال نجاشی و طوسی)، محمد بن ہمام (دارای منزلت عظیم، کثیر الحدیث، جلیل القدر، ثقہ، مؤلف کتاب الأنوار فی تاریخ الائمۃ (ع) رجال نجاشی و طوسی) نقل کردہ است، و در (الغدیر، ج ۱ ص ۱۲-۱۵۱ و ۲۹۴-۳۲۲، عوالم العلوم، ج ۳/۱۵ ص ۳۰۷-۳۲۷، ج ۳۷ ص ۱۸۱-۱۸۲، اثبات الہدایۃ، ج ۲، ص ۲۰۰-۲۵، الطرائف، ص ۳۳) آمدہ است.

سوم- «خطبہ غدیریہ در منابع اہل سنت»

سید بن طاوس (م ۶۶۴ق) خطبہ طولانی غدیر را از دو دانشمند سنی یعنی احمد بن محمد طبری مشہور بہ خلیلی و غلام خلیل، (رجال علامہ حلی، قاموس-الرجال شوشتری) و محمد بن جریر بن یزید طبری از امام باقر (ع) و زید بن ارقم صحابی، نقل کردہ است.

سید (رہ) در کتاب «الیقین» خطبہ غدیر را از نسخہ خطی کتاب «طبری خلیلی» - کہ تاریخ نگارشش ربیع الآخر ۴۱۱ قمری در قاہرہ بودہ است - یعنی کتاب فضائل علی (ع) از امام باقر (ع) نقل کردہ است. (الیقین، ص ۳۱۶ و ۳۴۳؛ اثبایۃ الہدایۃ، شیخ حرّ عاملی، ج ۱، ص ۵۹) همچنین وی این خطبہ را در اثر دیگرش «التحصین»، از کتاب «حدیث الولاۃ» ابن جریر طبری (مفسر و مورخ مشہور) کہ تالیفی مستقل دربارہ حدیث غدیر از ہفتاد و

پنج طریق است (الطرائف، ج ۱، ص ۱۴۲)، از طریق زید بن ارقم ثبت نموده است.

چهارم- «کلیات و فصل های محتوایی خطبه غدیریه»

صد و ده فراز خطبه غدیریه از نظر محتوایی دارای ده سر فصل می باشد که در این یادداشت در پانزده فصل به شرح و تفسیر سندی و اعتباری و نیز محتوایی و دلالتی اجمالی این ده بخش برای آشنایی و معرفت بیشتر با پیام ها و درس های خطبه غدیریه پرداخته ایم.

1- مقدمه عارفانه: پیش از شروع به نصب امام علی علیه السلام به امامت، رسول خدا صلی الله علیه و آله خطبه را با مقدمه عارفانه ای از ((صفات ذات و صفات فعل و نیز صفات جمال و جلال)) آغاز کردند.

2- علت تاخیر نصب: پس از مقدمه عارفانه و پیش از نصب امام علی علیه السلام به امامت، به بیان تاخیر این حرکت عبادی و سیاسی از مکه عرفات، منابه جحفه می پردازند و رمز گشایی از این تاخیر نمودند.

3- فلسفه امامت: و پس از رمز گشایی از تاخیر، به فلسفه نصب امامت در ادامه استمرار نبوت پرداختند.

4- بیان فضائل امام علی علیه السلام: و پس از بیان فلسفه امامت به بیان فضائل ویژه و مختص امام علی علیه السلام که وی را شایسته وصی و

خليفة رسول خدا صلى الله عليه و آله و امام مسلمين نموده است پرداخته شده است.

5- دعوت به بيعت: بخش مهمی از فراز ۱۱۰ گانه خطبه غدیریه اختصاص به دعوت حج گزاران بر بيعت با امام علی علیه السلام دارد.

6- دعوت به تدبیر در قرآن: فرازهایی از خطبه غدیریه در دعوت مسلمین به تدبیر و تأمل در آیات قرآن کریم است.

7- برکات و تشریح احکام: از آنجایی که امامت باطن فروع اسلام است، در چند فراز از خطبه رسول خدا به بیان برکات و اسرار برخی از احکام اسلامی پرداخته اند.

8- ویژگی امام عصر علیه السلام: از آنجایی که امام زمان علیه السلام خاتم الائمه علیهم السلام اند، فرازهایی از خطبه غدیریه در بیان ویژگی آن حضرت اختصاص پیدا کرده است.

9- ویژگیهای غدیر باوران: چند فراز از خطبه به معرفی و بیان ویژگی غدیر باوران و شیعه امیرالمؤمنین اختصاص یافته است.

10- خصیصه های منکرین ولایت: فرازی های فراوانی به خصیصه منکرین ولایت در دنیا و آخرت و مشکلات دردناکی که آنان برای ارتکاب این معصیت و انکار ولایت امام علی علیه السلام دارند اختصاص پیدا کرده است.

پنجم- «راز منتهی شدن حجه الوداع به غدیر»

امام باقر(ع) در اینکه چرا و چگونه نصب امام علی علیه السلام به امامت به سرزمین جحفه و غدیر منتهی شد و در مکه، عرفات و منا انجام نگرفت گزارش گام به گام حجه الوداع را اینگونه روایت می کنند.

۱- انجام حج با دو هدف

کمتر از سه مانده به آخر سال از عمر مبارک رسول الله صلی الله علیه وآله جبرئیل امین بر پیامبر اکرم نازل شد و او را مامور به انجام حجه الوداع برای دو امر عبادی و سیاسی) یکی ((آموزش عملی مناسک حج تمتع) و دیگری معرفی رسمی علی(ع) به عنوان ((وصی و خلیفه.)) نمود از همین رو می فرمایند: جبرئیل در مدینه فرود آمد و خطاب به آن حضرت عرض کرد: ((فَاتَاهُ جِبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ اسْمُهُ يُقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ لَكَ إِنِّي لَمْ أَقْبِضْ نَبِيًّا مِنْ أَنْبِيَائِي وَلَا رَسُولًا مِنْ رُسُلِي إِلَّا بَعْدَ إِكْمَالِ دِينِي وَ تَأْكِيدِ حُجَّتِي وَ قَدْ بَقِيَ عَلَيْكَ مِنْ ذَاكَ فَرِيضَتَانِ مِمَّا تَحْتَاجُ أَنْ تُبَلِّغَهُمَا قَوْمَكَ فَرِيضَةُ الْحَجِّ وَ فَرِيضَةُ الْوَلَايَةِ وَ الْخِلَافَةِ مِنْ بَعْدِكَ))

۲- دعوت عمومی برای انجام تمتع

پس از آن که رسول خدا(ص) پیام الهی را دریافت کرد به منادی دستور داد که در مدینه منوره همه مردم را دعوت رسمی و عمومی برای انجام حج تمتع نماید و از آنان بخواهد که در این سفر زیارتی، همراه با رسول الله(ص) شوند.

از همین رو در گزارش امام باقر(ع) آمده است منادی ندا داد: ((فَنَادَى مُنَادِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي النَّاسِ أَلَا إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ يُرِيدُ الْحَجَّ وَ أَنْ يَعْلَمَكُمْ مِنْ ذَلِكَ مِثْلَ الَّذِي عَلَّمَكُمْ مِنْ شَرَائِعِ دِينِكُمْ وَ يُوقِفَكُمْ مِنْ ذَاكَ عَلَى مَا أَوْقَفَكُمْ عَلَيْهِ مِنْ غَيْرِهِ فَخَرَجَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ خَرَجَ مَعَهُ النَّاسُ وَ اصْغَوْا إِلَيْهِ: مردم آگاه باشید! رسول خدا(ص) تصمیم دارد همان گونه سایر احکام اسلامی را به شما آموزش داد با انجام آن می خواهد مناسک حج را به شما آموزش دهد)).

۳-مراهی هفتاد هزار نفر حج گزار

پس از دعوت عمومی مردم به حج، هفتاد هزار از مردم مدینه و اطراف مدینه، با پیامبر(ص) برای انجام حج تمتع همراه شدند و امام باقر(ع)روایت می نماید: ((فَخَرَجَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ خَرَجَ مَعَهُ النَّاسُ ٠٠ فَحَجَّ بِهِمْ وَ بَلَغَ مِنْ حَجِّ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ وَ أَهْلِ الْأَطْرَافِ وَ الْأَعْرَابِ سَبْعِينَ أَلْفَ إِنْسَانٍ أَوْ يَزِيدُونَ))

۴-کار شکنی منافقین بانصب امامت علی علیه السلام در مکه، عرفات و

منا

در اینکه نصب امامت علی علیه السلام در سه مکان مهم ((مکه، عرفات و منا)) با اینکه فرصت چنین امری بود انجام نشد و در سرزمین جحفه و غدیر انجام گرفت امام باقر علیه السلام به رمز گشایی این راز مهم پرداخت و قبل از گزارش خطبه می فرمایند:

اولاً: پس از آنکه پیامبر (ص) و حج گزاران برای انجام حج تمتع در روز نهم ذی حجه به عرفات آمدند، جبرئیل بار دیگر بر رسول خدا(ص) فرود آمدند و از ایشان خواستند به امر الهی فریضه دوم را انجام داده و امام علی(ع) به امامت در جمع حج گزاران در عرفات معرفی نمایند((فَلَمَّا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ أَتَاهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُقْرُوكَ السَّلَامَ فَسَلِّمْهُ وَصِيكَ وَ خَلِيفَتِكَ مِنْ بَعْدِكَ حُجَّتِي الْبَالِغَةَ عَلَى خَلْقِي عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَقِمَهُ لِلنَّاسِ عِلْمًا))

ثانیاً: پیامبر (ص) به دلیل کار شکنی منافقین و ایجاد اختلاف معرفی امام علی(ع) در عرفات را به تاخیر انداخت تا به مسجد خیف منا رسید، بار دیگر جبرئیل نازل شد و همان دستور الهی را بار دیگر بر پیامبر ابلاغ کرد:((فَأَخَّرَ ذَلِكَ إِلَى أَنْ بَلَغَ مَسْجِدَ الْخَيْفِ فَأَتَاهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ فَأَمَرَهُ بِأَنْ يَعْهَدَ عَهْدَهُ وَ يُقِيمَ عَلَيْهِ عِلْمًا لِلنَّاسِ يَهْتَدُونَ بِهِ))

ثالثاً: پیامبر باز به دلیل کار شکنی منافقین نصب امام علی علیه السلام را در منا انجام نداد تا این که کاروان حج به غدیر رسید، بار سوم جبرئیل بر پیامبر فرود آمد و آن حضرت را مکلف بر نصب رسمی امام علی(ع) نمود ((:فَلَمَّا بَلَغَ غَدِيرَ خَمٍّ قَبْلَ الْجَحْفَةِ بِثَلَاثَةِ أَمْيَالٍ أَتَاهُ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ

يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْرُوكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ - يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ
مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فِي عَلِي

ششم- «شرح و تفسیر مقدمه عارفانه خطبه غدیریه»

متن مقدمه خطبه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَجَلَّ
فِي سُلْطَانِهِ وَعَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ...»

شرح متن خطبه:

۱۷ (فراز، از (۱۱۰) فراز خطبه غدیریه که رسول الله صلی الله علیه وآله
در جمع ۱۲۰ هزار حج گزار در سرزمین جحفه در سال دهم هجرت روز
۱۸ ذی حجه (غدیر) ایراد فرمودند مقدمه خطبه است که در حمد و
ستایش ذات باریتعالی است که جنبه عرفانی، قدسی و ملکوتی دارد و
پیوسته رسول الله (ص) در این (۱۷) بند، از (صفات ذات) به (صفات افعال)
و از (صفات افعال) به (صفات ذات) و از (صفات جلال) به (صفات جمال)
و از (صفات جمال) به (صفات جلال) سلوک می نمایند، برای فهم صحیح
این (۱۷) بند عرفانی و سالکانه بیان چند نکته لازم است:

۱- شرح و تفسیر صفات ذات و صفات فعل

مقصود از (صفات ذات) حضرت جل اسمه صفاتی است که دو طرف ندارد.
اگر ذات مطلق و بی نهایت حق، درست تصور شود آن صفات خود بخود

تصور می شود. ولی صفات فعلی صفاتی است که صرف تصور ذات کافی نیست؛ بلکه باید این فعل هم محقق شده باشد تا بتوان آن صفت را به خدا نسبت داد و به عبارت دیگر: صفات ذات خدا صفاتی است که نمی شود بگوییم خدا بوده و آن صفت را نداشته است. مثلاً نمی توانیم العیاذ بالله بگوییم: خدا بوده و علم نداشته است یا خدا بوده و قدرت نداشته است؛ چون خدای بی علم و قدرت که خدا نیست.

اما صفات فعل، یعنی اسمهای کارهای خدا، و تا خدا کاری را انجام ندهد نمی توانیم بگوییم خدا آن صفت را ابراز کرده است مثلاً رزاق بودن (روزی دهنده بودن) باید مخلوق خلق شود و خدا به او روزی بدهد تا به او روزی دهنده بگویند. یا همین خالق بودن؛ تا خدا کسی را خلق نکرده که نمی توان به او خالق گفت.

تامل در هریک از صفات ذات و صفات افعال همچون (علم، قدرت، خلق) که در این فرازهای خطبه غدیریه آمده است بیان گر سلوک عارفانه رسول الله (ص) است که خدا را با آن حمد و ستایش می نماید و می فرماید:

((الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَ دَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَ جَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَ عَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ، وَ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ وَ قَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَ بَرَهَانَهُ، حَمِيدًا لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ (وَ مَجِيدًا لَا يَزُولُ، وَ مَبْدَأًا وَ مَعِيدًا وَ كُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ). بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَ دَاحِي الْمَدْحُوتَاتِ وَ جَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَ السَّمَاوَاتِ، قُدُّوسٌ سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَفَضِّلٌ عَلَى

جَمِيعَ مَنْ بَرَّاهُ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعِ مَنْ اَنْشَاهُ. يَلْحَظُ كُلَّ عَيْنٍ وَالْعِيونُ
لَا تَرَاهُ.

ستایش خدای را سزااست که در یگانگی اش بلند مرتبه و در تنهایی اش به
آفریدگان نزدیک است؛ سلطنتش پر جلال و در ارکان آفرینش اش بزرگ
است. بی آنکه مکان گیرد و جابه جا شود، بر همه چیز احاطه دارد و بر
تمامی آفریدگان به قدرت و برهان خود چیره است.
همواره ستوده بوده و خواهد بود و مجد و بزرگی او را پایانی نیست. آغاز و
انجام از او و برگشت تمامی امور به سوی اوست. اوست آفریننده آسمان ها
و گستراننده زمین ها و حکمران آن ها. دور و منزله از خصایص آفریده
هاست و در منزله بودن خود نیز از تقدیس همگان برتر است. هموست
پروردگار فرشتگان و روح؛ افزونی بخش آفریده ها و نعمت ده ایجاد شده
هاست. به یک نیم نگاه دیده ها را ببیند و دیده ها هرگز او را نبینند.)

۲- شرح و تفسیر صفات جمال و جلال

مقصود از ((صفات جمال)) صفاتی است وقتی انسان با آن ارتباط برقرار می
کند چیزی جز لطف و رحمت بی کران خدا را نخواهد دید؛ مثل ستار، غفار،
تواب بودن حق تعالی.

ولی ((صفات جلال)) صفاتی است وقتی انسان با آن ارتباط برقرار می
کند آنچه را که می یابد کبریایی، هیبت و عظمت الهی است مثل متکبر،
منتقم و قهار بودن خداوند متعال است.

در این فراز (۱۷) گانه رسول اعظم از صفات جمال به جلال و از جلال به جمال سلوک نموده و می فرمایند:

(كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذُو أَنْتَاتٍ، قَدْ وَسِعَ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتَهُ وَ مَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ بِانْتِقَامِهِ، وَلَا يَبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ. قَدَفِهِمُ السَّرَائِرَ وَ عَلِمَ الضَّمَائِرَ، وَلَمْ تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ وَلَا اسْتَبْهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْغَلْبَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ...)

کریم و بردبار و شکیباست. رحمت اش جهان شمول و عطایش منت گذار. در انتقام بی شتاب و در کیفر سزاواران عذاب، صبور و شکیباست. بر نهان ها آگاه و بر درون ها دانا. پوشیده ها بر او آشکار و پنهان ها بر او روشن است. او راست فراگیری و چیرگی بر هر هستی. نیروی آفریدگان از او و توانایی بر هر پدیده.

هفتم- «فلسفه نصب امامت در خطبه غدیریه

متن خطبه: قَدْ عَلِمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أُبَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيَّ فِي حَقِّ عَلِيٍّ (فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ)، وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ مِنَ النَّاسِ

شرح متن خطبه:

پس از خطبه عارفانه و پیش از معرفی امام علی(ع)، پیامبر در مقام توجیه حج گزاران در مقام گزارش برآمدند که فلسفه امامت چیست و چرا می خواهند اقدام به نصب امامت بعد از خود بنمایند از همین رو. فراز(۱۷ و ۱۸) خطبه غدیریه اختصاص به بیان فلسفه امامت دارد.

شرح این دو فراز زمانی امکانی پذیر است که به دو استدلال بسیار دقیق برای نصب اصل امامت دقت و تامل نماییم؛

دلیل اول؛ ((بر فلسفه امامت))

دلیل اول؛ بر فلسفه وجود امامت در این است که حقیقت و باطن توحید نبوت است و اگر نبوت نباشد از توحید، شرک بیرون می آید همان گونه که هندوها و بوداییان خودشان را موحد می دانند؛ ولی در همان حال گاو می پرستند چون به نبوت اعتقاد ندارند اما اگر نبوت کنار توحید باشد، توحید در جای اصلی خودش قرار می گیرد و قرآن کریم خدا را اینگونه توصیف می کند: (هو الاول هو الآخر هو الظاهر هو الباطن)

حقیقت نبوت را نیز امامت تشکیل می دهد؛ چون اگر امامت نباشد پیامبری برای ما توصیف می شود که از بشر معمولی هم پایین تر خواهد بود. کافی است برای اثبات این مدعا که نبوت منهای امامت چه سرنوشتی پیدا می کند فقط به این چند روایتی که در صحاح سته اهل سنت آمده است توجه شود:

۱- روزی پیامبر در مسجد نشسته بود صدای قرآن خواندن مسلمانی بگوشش رسید فرمود: خدای رحمتش کند این قاری قرآن را، مرا به یاد آیاتی آورده که بکلی فراموش کرده بودم از فلان سوره از قرآن را اسقاط می کردم: صحیح بخاری، ج ۶، ص ۱۱۰، صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۹)

۲- عایشه می گوید: در حالیکه دو کنیزک آوازه خان در خانه من شعرهایی از جاهلیت و جنگ آنان را با او از می خواندند پیامبر وارد اطاق من شد و هیچ عکس العملی نشان نداد؛ ولی پدرم ابوبکر وارد شد به شدت و تندی به من گفت: ساز و آواز شیطانی در محضر پیامبر؟! پیامبر به ابوبکر فرمود کاری به آنها نداشته باشد هر قومی عیدی دارد امروز هم عید ما است. صحیح بخاری، ج ۲ ص ۳ و صحیح مسلم، ج ۳، ص ۲۲

۳- عایشه می گوید: من و پیامبر در زیر یک رو انداز خوابیده بودیم؛ ابوبکر وارد شد، پیامبر بدون این که از جایش بلند شود اجازه داد ابوبکر وارد شود کارش انجام داد، و پس از وی عمر وارد شد، باز همین گونه بود اما وقتی عثمان وارد شد پیامبر به او گفت: لباست را به دور خود بپیچ و خودش هم بلند شد، لباس کامل پوشید. عرض کردم چرا در مقابل عثمان این همه احترام قایل شدی فرمود: ایا حیا نکنم از مردی که فرشتگان از او حیا می کنند: صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۱۶

این ها چند گزارش از صحاح سته بود که به عنوان نمونه در این جا آورده ایم و از نقل بسیاری از ان ها عذرخواهم، ولی با تامل در همین چند مورد می یابیم وقتی نبوت منهای امامت تفسیر می شود چقدر غم انگیز می

گردد، مقام و منزلت رسول خدا (ص) چگونه تنزل پیدا می کند و از مردم معمولی هم معمولی تر می شود.

دلیل دوم؛ ((بر فلسفه امامت))

دلیل دوم؛ بر فلسفه نصب امام آن است که امام، باطن و حقیقت احکام اسلامی را تشکیل می دهد و اگر امام نباشد نه تنها نمی توان تشخیص داد حلال و حرام الهی کدام است، بلکه در مقام اجرا نیز احکام اسلامی جنبه اجرایی پیدا نمی کند.

از همین رو امام کاظم (ع) در تفسیر ایه (۳۱) سوره اعراف (قل انما حرم ربی الفواحش ماظهر منها وما بطن: ای پیامبر بگو که پروردگار من تنها امور شایسته و پلید را ممنوع نموده، چه آشکار باشند و چه پنهان) می فرماید: فجميع ما حرم الله في القرآن هو الظاهر، والباطن من ذالك ايمه الجور، و جميع ما احل الله تعالى في الكتاب هو الظاهر والباطن من ذالك ايمه الحق: تمام آنچه را که خداوند در قرآن تحریم نموده پلیدی آن محرمات، سطحی و ظاهری است، و باطن و روح آن پلیدی ها، امام جابر و ظالم اند، و تمام آنچه را که خداوند در این کتاب حلال نموده حلیت و نیکی و مترقی بودن آن امور سطحی و ظاهری است و ریشه و روح و باطن آن امام حق اند: اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۴

امام کاظم (ع) در این تفسیر ریشه تمام بیماری های اجتماعی و ام الفساد را امام جابر و ظالم و منشا سعادت اجتماعی را امام عادل می داند. پس باتوجه

به این دو دلیل نتیجه می گیریم که امامت استمرار راه نبوت است به همین دلیل است پیامبر در خطبه غدیریه می فرماید: ((لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ))
قَدْ عَلَّمَنِي أَنِّي إِنَّمَا أُبَلِّغُ مَا أُنزِلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ) فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ : -
معبودی جز او نیست - چرا که اعلام فرموده که اگر آن چه (درباره ی علی) نازل کرده به مردم نرسانم ، وظیفه رسالتش را انجام نداده ام)) .

هشتم- «راز تکرار نصب امام علی علیه السلام در غدیر

متن خطبه: ((أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلِيٍّ قَدْ بَايَعَنِي . وَأَنَا أَخَذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ .

شرح متن خطبه:

فراز (۲۴ تا ۲۱) خطبه، اشاره به گروه های مخالف رهبری امام علی (ع) و راز تکرار نصب امامت آن در غدیر دارد چراکه: هرچند از سال سوم بعثت و نزول ایه مبارکه ((فانذر عشیرتک الاقربین)) پیامبر با این بیان (هذا اخی، وصیی، وزیری) بارها امام علی (ع) را در موقعیت های مختلف به عنوان جانشین خود معرفی کرده بودند. ولی به سه دلیل آن معرفی ها کفایت نمی کرد و می بایست در کنگره بزرگ غدیر به عنوان آخرین بار آن حضرت معرفی شود:

دلیل اول؛ نظام ولایی که از یک طرف قدسی و اسمانی و نیز نصب و مشروعیتش از ناحیه حق تعالی باشد و از طرف دیگر کارآمد و مقبولیتش زمینی و به بیعت مردم بستگی داشته باشد تجربه جدید بشری بود و سابقه نداشته است. به همین دلیل نصب های گذشته تنها قدسی و اسمانی بودن را ثابت می کرد نه جنبه زمینی را، از همین رو یک بار دیگر در کنگره غدیر نصب امامت علی(ع) به امر الهی تکرار شد تا جنبه بیعت مردم نیز انجام بگیرد و مسلمین بافرم و قالب حکومت ولایی آشنا شوند.

دلیل دوم؛ هر چند در بیست و سه سال از دوره بعثت، حضرت علی(ع) در موقعیت های مختلف به عنوان امام، خلیفه، وصی پیامبر معرفی شد؛ ولی همه در مکه و مدینه بوده است. ولی به صورت جهانی و در کنگره عظیمی چون غدیر در بین جمعیت ۱۲۰ هزار جمعیت از مدینه، یمن، شامات.. نبوده است. برای اینکه همه جهان اسلام از همه بلاد اسلامی در جریان چنین واقعه عظیم قرار بگیرند پیامبر تصمیم گرفت در این کنگره شکوهمند، علی(ع) به عنوان وصی خود معرفی نمایند.

دلیل سوم؛ هر چند در دوره بیست و سه ساله بعثت، بارها پیامبر(ص)، علی(ع) را به عنوان وصی خود معرفی نموده بود و در حدیث منزلت فرموده بود: (انت منی بمنزله هارون من موسی) ولی از آنجایی که این امام علی(ع) بود در شب لیله المبیت جای پیامبر خواهید تا ان حضرت از ترور حتمی قریش نجات یافت و این علی(ع) بود که گردن گردنکشان سران قریش را قطع کرد تا زمینه فتح و تثبیت اسلام فراهم آورد که خود در نامه (۶۴) نهج البلاغه خطاب به معاویه می نویسد :

(عندى السيف الذى اعضضته بجدك و خالك واخيك فى مقام واحد :
شمشیری که من ان را دریک روز برجد تو(عتبه)ودایی تو(ولید)وبرادرت
(حنظله) فرود اوردم نزد من است.

پس در این مدت دشمنان فراوانی برایش به وجود آمده است. علاوه بر
این، امام علی (ع) شخصیتی بود که در زیر مجموعه قبیله اوس، خزرج، تیم،
عدی، اوس، خزرج و اموی قرار نداشت طبعاً مردمی که رهبری را در ساختار
قبیله ای تعریف می کردند نمی خواستند رهبری خارج از حزب و قبیله خود
را بپذیرند. از همین رو بسیار ساده قابل پیش بینی بود آنان، آنچه که پیامبر
فرموده بود انکار نمایند و یا به گونه دیگر توجیه نمایند. رسول خدا به امر
الهی در کنگره عظیم حج امام علی(ع) را معرفی کردند تاراه هرگونه انکار
امامت را به روی همه ببندند. از همین رو پیامبر خبر از توطئه این گروه
منافق داد و فرمود:

لَا وَاِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي اَدْعُوكُمْ اِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الْاِقْرَارِ بِهِ ،
ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدَ : اينک شما را می خوانم که پس از پایان خطبه با من و
سپس با علی دست دهید تا با او بيعت کرده به امامت او اقرار نمایید)) و نیز
خطاب به حج گزاران فرمود: ((اَلَا وَاِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللّٰهَ وَ عَلِيَّ قَدْ بَايَعَنِي . وَاَنَا
اَخَذْتُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ . (اِنَّ الَّذِيْنَ يَبَايَعُوْنَكَ اِنَّمَا يَبَايَعُوْنَ اللّٰهَ ،
يَدُلُّ اللّٰهَ فَوْقَ اَيْدِيهِمْ . فَمَنْ نَكَثَ فَاِنَّمَا يَنْكُثُ عَلٰى نَفْسِهِ ، وَ مَنْ اَوْفٰى بِمَا
عَاهَدَ عَلَيْهِ اللّٰهُ فَسَيُؤْتِيْهِ اَجْرًا عَظِيْمًا) .: آگاه باشید من با خداوند و علی با
من پيمان بسته و من اکنون از سوى خدى عزوجل برى امامت او پيمان
می گیرم[» . ای پیامبر! آنان که با تو بيعت کنند هر آينه با خدا بيعت کرده

اند . دست خدا بالی دستان آنان است . و هر کس بیعت شکند ، بر زیان خود شکسته ، و آن کس که بر پیمان خداوند استوار و باوفا باشد ، خداوند به او پاداش بزرگی خواهد داد .)).

نهم- «راز دلالت کلمه (مولا) بر امامت

متن خطبه: (ثم قال: «ایهاالنَّاسُ ، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ ؟ قالوا : الله و رَسُولُهُ . فَقَالَ : أَلَا مِنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ ، اللَّهُمَّ وَالِّ مَنْ وَالَاهُ و عَادِ مَنْ عَادَاهُ و أَنْصِرْ مَنْ نَصَرَهُ و اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»))

شرح متن خطبه:

این فراز (۴۱) به دلیل تقطیع از فرازهای پیشین و فرازهای پسینی که در منابع اهل سنت انجام گرفته و در (۴۳) منابع روایی، تفسیری و تاریخی اهل سنت تنها فراز(من کنت مولاہ فہذا علی مولاہ) را آوردند زمینه انحراف از غدیر فراهم شد کہ کلمہ (مولا) در لغت مشترک لفظی بین معانی چون پسرعمو، غلام، همسایہ و رہبر است و (مولا) در کلام پیامبر بہ معنای دوستی است نہ امام وزعیم امت. ولی بہ دلایل متعدد (مولا) ہرچند معانی متعدد دارد ولی (مولا) در کلام رسول اللہ (ص) رانمی توان حمل بر دوستی و محبت نمود:

دلیل اول؛ استدلال به امامت امام علی (ع) در خطبه غدیریه تنها به این فراز نیست تا گفته شود کلمه (مولا) معانی متعدد دارد؛ بلکه به متن خطبه غدیریه است که در این متن (۳۷) بار در فراز های متعدد خلیفه، وصی، امام آمده است و دیگر راهی برای چنین مغالطات و تاویل ها باقی نمی ماند که چند مورد را برای فهم بیشتر می آوریم:

۱- در فراز نوزدهم آمده است (أَنَّ أَقْوَمَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأَعْلِمَ كُلَّ أَيْبُضٍ وَأَسْوَدٍ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِييَ وَخَلِيفَتِي (عَلِيَّ أُمَّتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي ، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لِأَنِّي بَعْدِي وَهُوَ وَلِيكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.))

۲- در فراز چهارم و یکم آمده است: فَأَعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَالِكِ فِيهِ وَأَفْهَمُوهُ وَأَعْلَمُوا) أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وِلِيًّا وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَعَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَعَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَعَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ، وَعَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَعَلَى كُلِّ مُوَحَّدٍ. مَاضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ، نَافِذُ أَمْرُهُ، مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَصَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ))

۳- در فراز چهارم و چهارم آمده است: ((مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامِ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَاطِيعُوا وَأَنْقَادُوا لِأَمْرِ اللَّهِ) رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَاهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيِّهُ الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَيَّ وَلِيكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ،))

پس با تامل در خطبه می یابیم بر فرض این که (مولا) درهمین جا به معنای دوست باشد آسیبی به نصب امامت امام علی(ع) در واقعه غدیر نمی زند؛ چراکه پیامبر نخست فراز به فراز خطبه آن حضرت را به عنوان وصی، خلیفه، امام معرفی کردند و در پایان فرمودند: ((مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فِهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ))

دلیل دوم؛ هر چند در لغت یکی از معانی ((مولا)) دوستی است ولی در این خطبه نمی تواند به معنای دوست باشد؛ بلکه (مولا) در کلام رسول الله (ص) به معنای امام و رهبری است. چراکه مردمی که شنونده کلام رسول الله (ص) بودند هیچ یک چنین پرسشی ننموده و ایرادی نگرفتند که چرا شما برای دوستی علی (ع) ما را در این سرزمین جحفه سه روز نگه داشته اید. همین سکوت مؤید این معنا است که آنان از ((مولا)) در کلام رسول الله (ص) معنای زعیم و رهبری را می فهمیدند و ارزش چند روز معطل شدن برای چنین رویداد سیاسی را می دانستند.

دلیل سوم؛ هرگز در جزیره العرب برای دوستی بیعت نمی گرفتند؛ بلکه برای رهبری تنها بیعت مرسوم بوده است. از همین رو در فراز (۹۶) آمده : ((أَدْعُوكُمْ إِلَىٰ مُصَافَقَتِي عَلَىٰ بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَابِهِ))
وهمین که پیامبر گرامی در این فراز از خطبه همه حج گزاران مکلف بر بیعت امام علی(ع) نمودند خود بهترین شاهد و قرینه است که نمی توان کلمه (مولا) در کلام رسول الله(ص) را حمل بر دوستی نمود.

دلیل چهارم؛ براین که کلمه (مولا) در خطبه غدیریه به معنای دوستی نیست شعر (حسان بن ثابت) است که پس از نصب امام در حضور رسول الله (ص) و ۱۲۰ هزار حج گزار سروده اند. این اشعار در منابع اهل سنت آمده و مرحوم علامه امینی تمام منابع را در الغدیر آورده اند و در این شعر، حسان کلمه مولا را بر امام تفسیر کرد و شخص پیامبر به او اعتراضی نکرده اند و آن بیت مورد نظر این است:

((فقال له قم یا علی فانی)) ((رضیتک بعدی اماما و هادیا))

دلیل پنجم؛ کدام عقل سلیم می پذیرد که سه روز حج گزاران، از زن و مرد پیر جوان در بیابان گرم جحفه بدون هیچ امکانات معطل شوند و پس از سه روز پیامبر به آنان بگوید که می خواستم به شما بگویم: (علی را دوست بدارید).

دهم- «راز بیعت حج گزاران در کنگره غدیر

متن خطبه: ((أَدْعُوكُمْ إِلَىٰ مُصَافَقَتِي عَلَىٰ بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَارِيهِ))

شرح متن خطبه:

چهار فراز، از خطبه غدیریه اختصاص به تاکید و فرمان رسول الله (ص) به حج گزاران بر بیعت کردن با امام علی (ع) دارد. شرح و تفسیر این فراز از خطبه، مستلزم آن است که به چند نکته با دقت و تامل توجه شود:

نکته اول؛ چهار فرز از خطبه غدیریه، رسول الله (ص) حج گزاران حاضر در غدیر خم را امر به بیعت با امام علی (ع) می کنند و اصرار و تاکید بر بیعت همه حج گزاران با امام علی علیه السلام را داشته اند.

۱- فَأَقِمْ يَا مُحَمَّدٌ عَلِيًّا عَلَمًا وَ خُذْ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ وَ جَدِّدْ عَهْدِي وَ مِيثَاقِي لَهُمْ الَّذِي وَ اتَّقْتَهُمْ عَلَيْهِ

۲- أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي أَلَا وَ إِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلَى قَدْ بَايَعَنِي وَ أَنَا أَخَذِكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ- فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ

۳- مَعَاشِرَ النَّاسِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ بَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ الْأَئِمَّةَ كُلَّمَا طَبِئَتْ بَاقِيَةٌ يَهْلِكُ اللَّهُ مِنْ غَدَرٍ وَ يَرْحَمُ اللَّهُ مَنْ وَفَى وَ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ

4- وَصَلُوا الْبَيْعَةَ وَ الْمَصَافَقَةَ ثَلَاثًا- وَ رَسُولُ اللَّهِ يَقُولُ كُلَّمَا بَايَعَ قَوْمٌ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى جَمِيعِ الْعَالَمِينَ وَ صَارَتْ الْمَصَافَقَةُ سُنَّةً وَ رِسْمًا وَ رَبَّمَا يَسْتَعْمِلُهَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَقٌّ فِيهَا

نکته دوم؛ اصرار و تاکید پیامبر(ع) بر بیعت سه دلیل مهم داشته است:

دلیل اول؛ آنچه در غدیر انجام گرفت تاسیس حکومت ولایی بوده است که نه از جنس حکومت امپراتوری ایران و روم بود که مردم هیچ دخالتی در مقدرات و سرنوشت خود نداشتند و نه از جنس جمهوری بود که مردم همه

کاره باشند، رییس جمهوری حقوق بگیر مردم و تابع آرا مردم باشد؛ بلکه قالب و فرم حکومتی ولایی به گونه ای است که مشروعیتش کاملا قدسی و آسمانی می باشد و امام جامعه منصوب حق تعالی تو است، رای مردم در عزل و نصب آن هیچ دخالت ندارد، ولی در عین حال اقتدار و به فعلیت رسیدن رهبری امام جامعه به مقبولیت و آرا مردم بستگی دارد. از همین رو رسول اعظم اصرار بر بیعت مردم بر بیعت دارند تا در جامعه اسلامی کاملا نهادینه شود که مشروعیت امامت قدسی و آسمانی است، ولی مقبولیت، فرشی و زمینی و به بیعت و آرا مردم بستگی دارد.

دلیل دوم؛ از مجموع خطبه و از تاخیر پی در پی معرفی از عرفات تا غدیر نشان از یک واقعیت تلخ است و آن این که رسول الله (ص) به این نتیجه رسیده بودند اگر حجت را بر این سران و شیوخ قبیله خزرج اوس، عدی، تیم، اموی و بنی هاشم تمام نکند با آن بافت قبیله گرایی که دارند، امکان نقض عهد و شکستن پیمان وجود دارد و حضرت می خواستند با این بیعت راه نقض عهد را ببندند و کسی نگوید من روز غدیر چنین سیستم رهبری را نپذیرفته بودم که اگر اقدام به مخالفت کرد: واقعا و حقیقه مبعوض و ملعون پیامبر و خدای پیامبر قرار بگیرد از همین رو از توطئه این گروه کار شکن خبر داد و فرمود: ((مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يَنْصُرُونَ . مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِئَانِ مِنْهُمْ: مردمان! به زودی پس از من پیشوایانی خواهند بود که شما را به سوی آتش می خوانند و در روز رستاخیز تنها وبدون یاور خواهند ماند. هان مردمان! خداوند و من از آنان بیزاریم.)). و نیز فرمود: ((وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ

بَعْدَى مُلْكًا وَ اغْتِصَابًا ، (اَلَا لَعَنَ اللهُ الْغَاصِبِينَ الْمُعْتَصِبِينَ) : آگاه باشید ! به زودی پس از من امامت را با پادشاهی جابه جا نموده . آن را غصب کرده و به تصرف خویش درآورند. هان ! نفرین و خشم خدا بر غاصبان و چپاول گران !))

دلیل سوم؛ رسم و سنت در جزیره العرب بر این بوده است وقتی رئیس قبیله یا حاکمی را انتخاب می کردند با او بیعت می نمودند و با بیعت، رهبری وی مشروعیت پیدا می کرد، پیامبر برای این که پس از ایشان، کسی با این بهانه که در روز غدیر بیعت انجام نشد در مقام مخالفت بر نیاید زن و مرد حاضر در غدیر خم را مکلف کرد که به صورت رسمی همه با امام علی(ع) بیعت کنندو فرمود:

أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَ الْإِقْرَارِ بِهِ ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدَ : اینک شما را می خوانم که پس از پایان خطبه با من و سپس با علی دست دهید تا با او بیعت کرده به امامت او اقرار نمایید

یازدهم- «استمرار امامت در نسل امام علی علیه السلام

متن خطبه: ((ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلَى وَايِكُمْ وَ اِمَامُكُمْ بِاَمْرِ اللهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْاِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وَاوَلَدِهِ)) بخش مهمی از فرزهای خطبه غدیریه اختصاص به بیان استمرار نبوت از نسل امام علی علیه السلام، و نیز به بیان اختصاصات

حضرت ولی عصر ارواحنا له الفداء دارد، از همین رودر پایان خطبه به شرح
اجمالی این دونکته می پردازیم

یکم- (فراز های استمرار امامت)

در چهار فراز از خطبه، پیامبر خدا اصرار دارند تا مسلمین را متوجه این نکته
نمایند غدیر و حجه الوداع تنها محل معرفی امام علی علیه السلام به عنوان
خلیفه، امام، وصی رسول الله صلی الله علیه و آله نیست، بلکه زمینه
و فرصتی است که به امر الهی و به نص رسول الله صلی الله علیه و آله
مسلمین بدانند امامان بعد از پیامبر دوازده تن هستند که یازده تن دیگر
از نسل پیامبر و از صلب علی علیه السلام می باشند که اول از این دوازده تن
امام علی علیه السلام و آخر و خاتم امامان حضرت مهدی عجل الله تعالی
فرجه الشریف است، از همین روست در چهار فراز از خطبه غدیریه آمده
است

۱- مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وَوَلَدِي (مِنْ صَلْبِهِ) هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ،
وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلٌّ وَاحِدٌ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنِ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ ، لَنْ
يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ . أَلَا إِنَّهُمْ أَمَنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَامُهُ فِي
أَرْضِهِ . هان مردمان ! همانا علی و پاکان از فرزندانم از نسل او ، یادگار
گران سنگ کوچک ترند و قرآن یادگار گران سنگ بزرگ تر . هر یک از
این دو از دیگر همراه خود خبر می دهد و با آن سازگار است . آن دو هرگز
از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند . هان ! بدانید
که آنان امانتداران خداوند در میان آفریدگان و حاکمان او در زمین اویند))

۲- معاشر الناس ، هو ناصر دين الله واللمجادل عن رسول الله، و هوالتقى
التقى الهادي المهدي . نبيكم خير نبي و وصيكم خير وصي (وبنوه
خير الأوصياء) . معاشر الناس ، ذرية كل نبي من صلبه، و ذريتي من صلب
أمير المؤمنين) علي .:هان مردمان ! او ياور دين خدا و دفاع كننده ي از
رسول اوست . او پرهيزكار پاكيزه و رهنمی ارشاد شده [به دست خود خدا
] است . پیامبرتان برترین پیامبر ، وصی او برترین وصی و فرزندان او
برترین اوصیایند . هان مردمان ! فرزندان هر پیامبر از نسل اویند و فرزندان
من از صلب و نسل امیرالمؤمنین علی است

۳- ثم من بعدی علی ولیکم و إمامکم بأمرالله ربکم، ثم الإمامة فی ذریتی
من ولده إلی یوم تلقون الله : و پس از خداوند ولی شما ، فرستاده و پیامبر
اوست که اکنون در برابر شماست و با شما سخن می گوید . و پس از من
به فرمان پروردگار ، علی ولی و صاحب اختیار و امام شماست . آن گاه
امامت در فرزندان من از نسل علی خواهد بود . این قانون تا برپایی
رستخیز که خدا و رسول او را دیدار کنید دوام دارد

۴- معاشر الناس انا صراط الله المستقیم الذی امرکم باتباعه ، ثم علی من
بعدی . ثم ولدی من صلبه أئمة (الهدی) ، یهدون إلی الحق و به یعدلون :
هان مردمان ! صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر
فرموده . و پس از من علی است و آن گاه فرزندانم از نسل او ، پیشوایان
راه راستند که به درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند))

دوم:((خصایص حضرت مهدی سلام الله علیه))

پس از آنکه رسول الله صلی الله علیه وآله در خطبه غدیریه جانشینان بعد از خود تا قیامت را بیان کردند، به خصایص هفده گانه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان خاتم الائمه علیه السلام پرداختند، از همین رو می فرمایند:

۱- خاتم ائمه: ((أَلَا إِنَّ خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ: أَگاه باشید! همانا آخرین امام، قائم مهدی از ماست))

۲- چیرگی بر ادیان: ((أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ: هان! او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود))

۳- انتقام گیرنده: ((أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ مِنَ الظَّالِمِينَ: هشدار! که اوست انتقام گیرنده از ستمکار))

۴- فاتح دژها: ((أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الحُصُونِ وَهَادِمُهَا: هشدار! که اوست فاتح دژها و منهدم کننده ی آنها))

۵- چیرگی بر مشرکان: ((أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنَ أَهْلِ الشِّرْكِ وَهَادِيهَا: هشدار! که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمی آنان))

۶- خونخواه تمام اولیاء: ((أَلَا إِنَّهُ المُدْرِكُ بِكُلِّ ثَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ: هشدار! که او خونخواه تمام اولیای خداست))

۷- یاری رسان دین: ((أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ: آگاه باشید! اوست یاور دین خدا)).

۸- دریایی ژرف: ((أَلَا إِنَّهُ الْغَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ: هشدار! که از دریایی ژرف پیمانه هایی افزون می گیرد)).

۹- ارز شمند کردن ارزش ها: ((أَلَا إِنَّهُ يَسِمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ: هشدار! که او به هر ارزشمندی به اندازه ی ارزش او، و به هر نادان و بی ارزشی به اندازه ی نادانی اش نیکی کند)).

۱۰- وارث دانش ها: ((أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَالْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ: هشدار! که او وارث دانش ها و حاکم بر ادراک هاست)).

۱۱- مبین آیات الهی: ((أَلَا إِنَّهُ أَلْ مُخْبِرٌ عَنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ الْمَشِيدُ لَأَمْرِ آيَاتِهِ: بیدار باشید بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می گوید و آیات و نشانه های او را برپا کند)).

۱۲- استواربودن: ((أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّيِّدُ: بدانید همانا اوست بالیده و استوار)).

۱۳- داشتن ولایت تکوینی: ((أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ: هموست که [اختیار امور جهانیان و آیین آنان] به او واگذار شده است)).

۱۴- پیشگویی شده ظهور: ((أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ: آگاه باشید! که تمامی گذشتگان ظهور او را پیشگویی کرده اند)).

۱۵- حجت پایدار: ((أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةٌ وَلَا حُجَّةَ بَعْدَهُ وَلَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ
وَلَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ: آگاه باشید! که اوست حجت پایدار و پس از او حجتی
نخواهد بود. درستی و راستی و نور و روشنایی تنها نزد اوست

۱۶- غالب بر همه: ((أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَلَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ: هان! کسی بر او
پیروز نخواهد شد و ستیزنده ی او یاری نخواهد گشت))

۱۷- ولی خدا: ((أَلَا وَإِنَّهُ وَلِيُّ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحَكْمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَأَمِينُهُ فِي
سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ: آگاه باشید که او ولی خدا در زمین، داور او در میان مردم و
امانتدار امور آشکار و نهان است))

دوازدهم- «فضائل امام علیه السلام

متن خطبه: ((وَكُلُّ عِلْمٍ عِلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتَهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ))

بخشی از (۱۱۰) فراز خطبه غدیریه به بیان فضائل امام علی علیه السلام
اختصاص دارد که هریک از این فضائل نیاز به شرح و تفسیر مبسوطی
خواهد داشت، ولی از باب آشنایی فهرستی از این فضائل را در اینجا می
آوریم؛

۱- علم گسترده داشتن: ((مَعَاشِرَ النَّاسِ، عَلِيٌّ (فَضْلُوهُ) مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ
أَحْصَاهُ اللَّهُ فِي، وَ كُلُّ عِلْمٍ عِلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتَهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَمَا مِنْ عِلْمٍ

إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا: هان مردمان! او را برتر بدانید. چرا که هیچ دانشی نیست مگر اینکه خداوند آن را در جان من نبشته و من نیز آن را در جان پیشوای پرهیزکاران، علی، ضبط کرده ام.))

۲- مصداق سوره یس: ((وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ) الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَكُلِّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ: او) علی) پیشوای روشنگر است که خداوند او را در سوره یاسین یاد کرده که: «و دانش هر چیز را در امام روشنگر برشمرده ایم...»

۳- پرداخت زکات در حال رکوع: ((وَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (هِيَ): (إِنَّمَا وَلِيكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) ، وَعَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يَرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ: و پروردگام آیه ای بر من نازل فرموده که: «همانا ولی، صاحب اختیار و سرپرست شما، خدا و پیامبر او و ایمانیانی هستند که نماز به پا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند.» و هر آینه علی بن ابی طالب نماز به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خداخواه است

۴- میزان جدایی حق از باطل ((مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَصْلُبُوا عَنْهُ وَلَا تَنْفِرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَنْكِفُوا عَنْ وَلَايَتِهِ، فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيَزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمَةٌ: هان مردمان! از علی رو برنتابی و از امامتش نگریزید و از سرپرستی اش رو برنگردانید او [شما را] به درستی و راستی خوانده و [خود نیز] بدان عمل نماید او نادرستی را

نابود کند و از آن بازدارد در راه خدا نکوهش نکوهش گران او را از کار باز ندارد

۵- اولین مؤمن به رسول خدا: ((أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ)) لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ) : او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست و کسی در ایمان، به او سبقت نجسته.

۶- ایثار جان برای رسول خدا ((وَأَلَّذِي فَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدَ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرَهُ)) (أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ . أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي، فَفَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ) و همو جان خود را فدای رسول الله نموده و با او همراه بوده است تنها اوست که همراه رسول خدا عبادت خداوند می کرد و جز او کسی چنین نبود اولین نمازگزار و پرستشگر خدا به همراه من است . از سوی خداوند به او فرمان دادم تا [در شب هجرت] در بستر من بیارامد و او نیز فرمان برده ، پذیرفت که جان خود را فدای من کند)

۷- اطاعتش موجب رستگاری: ((مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنْ فَضَائِلَ عَلِيٍّ بِنِ ابِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ - وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدِّقُوهُ . مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا .

هان مردمان ! هر آینه برتری هی علی بن ابی طالب نزد خداوند عزوجل - که در قرآن نازل فرموده - بیش از آن است که من یکباره بر شمارم . پس

هر کس از مقامات او خبر داد و آن‌ها را شناخت او را تصدیق و تأیید کنید . هان مردمان ! آن کس که از خدا و رسولش و علی و امامانی که نام بردم پیروی کند ، به رستگاری بزرگی دست یافته است))

۸- بیعتش موجب بهشتی شدن: ((مَعَاشِرَ النَّاسِ ، السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مَوَالِيهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِأَمْرِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ . مَعَاشِرَ النَّاسِ ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ ، فَإِنْ تَكْفَرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئًا . اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ) بِمَا أَدَيْتُمْ وَ أَمَرْتُمْ) وَ اغْضِبْ عَلَيَّ (الْجَاهِدِينَ) الْكَافِرِينَ ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ :هان مردمان ! سبقت جویان به بیعت و پیمان و سرپرستی او و سلام بر او با لقب امیرالمؤمنین، رستگارانند.

سیزدهم- «فلسفه حلال و حرام، واجبات و محرمات در خطبه غدیریه»

متن خطبه: ((مَعَاشِرَ النَّاسِ ، إِنْ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ)) .

شرح متن:

بخش مهمی از خطبه غدیریه اختصاص به بیان احکام الهی ((حلال و حرام، واجبات و محرمات)) و نیز بیان فلسفه پاره از احکام اختصاص پیدا کرده است، برای اینکه ((حلال و حرام)) و ((واجبات و محرمات)) و همچنین فلسفه برخی از این احکام شرح نماییم این بخش از خطبه را دسته بندی کرده و توضیح داده می شود:

۱- حج تعظیم شعائر الله

((مَعَاشِرِ النَّاسِ ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنَ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا) الآية: هان مردمان ! همانا حج و عمره از شعائر و آداب و رسوم خدایی است پس زائران خانه ی خدا و عمره کنندگان بر صفا و مروه بسیار طواف کنند))

۲- آثار و برکات حج

((مَعَاشِرِ النَّاسِ ، حُجُّوا الْبَيْتَ ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَعْنَوْا وَ أَبْشِرُوا ، وَلَا تَخْلَفُوا عَنْهُ إِلَّا بَتْرُوا وَ افْتَقَرُوا . مَعَاشِرِ النَّاسِ ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ الْمُؤْمِنِ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ مَعَاشِرِ النَّاسِ ، الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَ نَفَقَاتِهِمْ مُخْلَفَةٌ عَلَيْهِمْ وَ اللَّهُ لَا يَضِيعُ أَجْرًا لِلْمُحْسِنِينَ : هان مردمان ! در خانه ی خدا حج گزارید ؛ که هیچ خاندانی داخل آن نشد مگر بی نیاز شد و مزده گرفت، و کسی از آن روی برنگردانید مگر بی بهره و نیازمند گردید هان مردمان ! مؤمنی در موقف (عرفات ، مشعر ، منا) نماند مگر این که خدا گناهان گذشته ی او را بیامرزد و بایسته است که پس از پایان اعمال حج [با پرونده ی پاک] کار خود را از سر گیردهان مردمان ! حاجیان دستگیری شده اند و هزینه های سفرشان جبران می شود و جایگزین آن به آنان خواهد رسید و البته خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد کرد هان مردمان !

۳- اهمیت نماز، روزه و ولایت

((مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلِيْ وَلِيكُمْ وَمَبِينٌ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينٌ خَلَفَهُ إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ وَمَنْ تَخَلَّفَ مِنْ دُرِّيْتِي يَخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ: هان مردمان! نماز را به پا دارید و زکات بپردازید همان سان که خداوند عزوجل امر فرموده، پس! اگر زمان بر شما دراز شد و کوتاهی کردید یا از یاد بردید، علی صاحب اختیار و تبیین کننده ی بر شماست، خداوند عزوجل او را پس از من امانتدار خویش در میان آفرید گانش نهادهمانا او از من و من از اویم. و او و فرزندان من از جانشینان او، پرسش شما را پاسخ دهند و آن چه را نمی دانید به شما می آموزند.

۴- بی شمار بودن حلال و حرام الهی

((أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرَ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا فَأَمَرَ بِالْحَلَالِ وَانْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ: هان! روا و ناروا بیش از آن است که من شمارش کنم و بشناسانم و در این جا یکباره به روا فرمان دهم و از ناروا بازدارم))

۵- بیعت و وظیفه همگان

((فَأَمَرْتُ أَنْ أَخَذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامُهُ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ يَلْقَى اللهُ الَّذِي يَقْدِرُ وَيَقْضِي: ز

این روی مأمورم از شما بیعت بگیرم که دست در دست من نهید در مورد پذیرش آن چه از سوی خداوند آورده ام درباره علی امیرالمؤمنین و اوصیای پس از او که آنان از من و اویند و این امامت به وراثت پایدار است و فرجام امامان، مهدی است و استواری امامت تا روزی است که او با خداوند قدر و قضا دیدار کند))

۶-اهمیت توأسی به واجبات و اجتناب از تحریف در احکام

مَعَاشِرِ النَّاسِ، وَ كُلِّ حَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَ كُلِّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ أُبَدِّلْ أَلَّا فَادُّكُرُوا ذَلِكَ وَ أَحْفَظُوهُ وَ تَوَاصَوْا بِهِ، وَ لَا تُبَدِّلُوهُ وَ لَا تُغَيِّرُوهُ؛ هان مردمان! شما را به هرگونه روا و ناروا راهنمایی کردم و از آن هرگز بر نمی گردم بدانید و آگاه باشید! آن ها را یاد کنید و نگه دارید و یکدیگر را به آنان توصیه نمایید و در آن [احکام خدا] دگرگونی راه ندهید))

چهاردهم «مشخصه های غدیر باوران

متن خطبه: ((قَلْبِيْلِيَنَّ الْحَاضِرِ الْعَائِبِ وَ الْوَالِدِ الْوَالِدِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ))

شرح خطبه:

بخشی از فراز های خطبه در توصیف و معرفی غدیر باوران است، از همین رو در خطبه غدیریه چهار خصیصه برای ولایت مداران و غدیر باوران آمده

۱- ولا زعامت

غدیرباوران از نظر عقیده و اندیشه بر این باورند که از نظر زعامت و امامت، علی(ع) جانشین بعد از پیامبر است، دلیل و پشتوانه این باور آن است که نمی شود خلیفه اول به محض اینکه متوجه شد چند روز از عمرش باقی نمانده است، فوراً به عثمان گفت: بنویس پس از من عمر خلیفه مسلمین است، و همچنین وقتی خلیفه دوم دید که چیزی از پایان عمرش باقی نمانده است، فوراً شورای شش نفره تشکیل تا از بین خود خلیفه آینده را انتخاب کند. کدام عقل سلیم می پذیرد رسول الله (ص) که هفتاد روز پیش از رحلتش از ناحیه حق تعالی متوجه شد که آخرین روز های عمرش است با توجه به این آگاهی از مرگش نسبت به آینده اسلام بی تفاوت می ماند؛ بلکه همان گونه که در گزارش خطبه غدیریه آمده است رسول الله صلی الله علیه وآله در جمع حج گزاران حجة الوداع در غدیر، رسماً با ایراد خطبه غدیریه و بیان (أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَ وَصِيَّيْ وَ خَلِيفَتِي) عَلِيٌّ أُمَّتِي (وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي ، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لِأَنِّي بَعْدِي)) علی علیه السلام را برای امامت نصب کردند

۲- ولا محبت

غدیرباوران به دلیل این که بالفطره میل به کمالات دارند و علی(ع) چون (ابوالفضایل) و (مجمع الفضایل) است نه تنها دوستش دارند بلکه به وی عشق می ورزند و حوضچه وجودشان آمیخته با عشق آن حضرت است از همین رو در خطبه غدیریه: (اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وأنصر من نصره)

۳-ولا اطاعت

(ولا محبت) غدیر باوران، رابطه تنگاتنگ با (ولا اطاعت) داشته و کسانی که محبت اهل بیت و امام علی (ع) را در جان خود دارند، برای اینکه ثابت کنند که دوستش دارند هر آنچه آن حضرت دستور داده باشند باجان و دل می پذیرند اطاعت می کنند. از همین رو در خطبه غدیریه در فرازهای متعدد به (ولا اطاعت) سفارش شده است و رسول خدا فرمودند: (مَعَاشِرَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَنَهَانِي وَ قَدْ أَمَرْتُ عَلِيًّا وَ نَهَيْتُهُ فَعَلِمَ الْأَمْرَ وَ النَّهْيَ مِنْ رَبِّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسَلَّمُوا وَ أَطِيعُوا تَهْتَدُوا وَ أَنْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْتَدُوا وَ صَيِّرُوا إِلَيَّ مُرَادِهِ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا بِكُمْ السُّبُلُ: هان مردمان! همانا خداوند امر و نهی خود را به من فرموده و من نیز به دستور او دانش آن را نزد علی نهادم. پس فرمان او را بشنوید و گردن نهید و پیرویش نمایید و از آنچه بازتان دارد خودداری کنید تا راه یابید به سوی هدف او حرکت کنید راهی گونه گون شما را از راه او باز ندارد))

۴-ناشر فضایل

غدیر باوران کسانی اند به حکم این که رسول الله (ص) در خطبه غدیریه فرمودند: ((فَلْيَبْلُغِ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَ الْوَالِدُ الْوَالِدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ سَيَجْعَلُونَهَا مُلْكًا وَ اِغْتِصَابًا))

به نشر فضایل امام امیر المؤمنین (ع) و نیز تثبیت امامت آن حضرت به ویژه آنچه در غدیر انجام گرفته می پردازند و هریک میثم تمار، علامه

امینی صاحب الغدیر، و میر حامد حسین ہندی صاحب عقبات الانوار می
شوند و از جان و مال، قلم و زبانشان ہزینہ کردہ و بہ نشر فضایل امام
علی (ع) می پردازند

۵-پارسایی

از خصائص غدیر باوران تقواد رحیطہ عمل و رفتار است از ہمین رو در
مرتبہ اول، تقوا (تقوا ی عام) یا بہ تعبیر روایات (خوف من النار) و بہ
تعبیر سوم (تقوای عدول) دارند. یعنی شخص بہ این دلیل واجبات را انجام
می دہد و محرمات را ترک می کند کہ در آیہ (۲۴) بقرہ آمدہ است: (فاتقوا
النارالتی وقو دہا الناس والحجارہ اعدت للکافرین.)

و همچنین (تقوای خاص) و بہ عبارت دیگر (تقوای من اللہ) و بہ تعبیر سوم
(تقوای صلحا) یعنی شخص بہ مرتبہ ای از تقوای و خدا ترسی می رسد نہ
تنہا واجبات را انجام و محرمات را ترک می کند؛ بلکہ مہم این است
مشتبہات یعنی چیزی کہ حکمش از نظر حلال و حرام روشن نیست را
انجام نمی دہد. چرا کہ در آیہ (۱۶) سورہ (تغابن) آمدہ است: (فاتقوا اللہ
ما استطعتم)

و نیز مرتبہ سوم؛ (تقوای خاص الخاص) و بہ تعبیر دیگر (تقوای باللہ) و بہ
تعبیر سوم (تقوای صدیقین) یعنی شخص متقی در سلوکش بہ مرتبہ ای می
رسد حتی از مباحات بہ دلیل این کہ رضای الہی در آن است ترک می
کند و بہ آسانی می گذرد، چرا کہ در فراز (۵۳) خطبہ غدیر آمدہ

است: (معاشر الناس اتقوا الله حق تقاته ولا تموتن الا وانتم تسلمون) و نیز در
فراز (۹۴) آمده است: (التقوى التقوى، احذرو الساعه

پانزدهم- «خصوصیت منکرین ولایت

متن خطبه:

مَلْعُونٌ مَّلْعُونٌ ، مَعْضُوبٌ مَعْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ

شرح متن خطبه:

بخش مهمی از فرازهای مهم خطبه غدیریه اختصاص به معرفی
خصوصیت جریان اموی مسلکان دارد یعنی کسانی که نه تنها منکر ولایت
بلکه منکر فضائل امام علی علیه السلام اند و حاضرند برای فرد خبیثی چون
معاویه فضیلت تراشی کنند ولی نسبت به امام علی علیه السلام که
فضائلش در قرآن و سنت آمده کتمان کنند از همین رو در خطبه غدیریه پنج
خصوصیت برای آنان آمده است؛

۱- ملعون بودن منکرین ولایت

نخستین خصیصه ای که برای منکرین ولایت در خطبه غدیریه آمده مورد
(العن)) و ((نفرین)) رسول الله (ص) قرار گرفتن این جماعت است، از همین
رو در فراز در خطبه آمده است:

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَلُّوا عَلَيَّ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَأَنْثَى مَا أَنْزَلَ
 اللَّهُ الرِّزْقَ وَبَقِيَ الْخَلْقُ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَغْضُوبٌ مَغْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَيَّ قَوْلِي
 هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ إِلَّا إِنْ جَبْرَيْلَ خَبَّرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: « مَنْ
 عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَغَضَبِي »: هان مردمان! عل را برتر
 دانید؛ که او برترین مردمان از مرد و زن پس از من است؛ تا آن هنگام
 که آفریدگان پایدارند و روزی شان فرود آید دور دوریاد از درگاه مهر خداوند
 و خشم خشم باد بر آن که این گفته را نپذیرد و با من سازگار نباشد! هان!
 بدانید جبرئیل از سوی خداوند خبرم داد: « هر آن که با علی بستیزد و بر
 ولایت او گردن نگذارد، نفرین و خشم من بر او باد!

۲- بی توفیقی در توبه

دومین خصیصه؛ ای که در خطبه غدیریه برای منکرین ولایت آمده (توبه و
 استغفارشان)) پذیرفته نمی شود از همین رو در خطبه آمده است: ((مَعَاشِرَ
 النَّاسِ إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَّهَ وَ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ
 لَهُ حَتَّمَا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ فِيهِ وَ أَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا
 شَدِيدًا نَكْرًا أَبَدَ الْأَبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالَفُوهُ فَتَصَلُّوا نَارًا وَ قُودَهَا
 النَّاسُ وَ الْحِجَابُ أَرَأَيْتُمْ لِمَ أُعِدَّتْ لِكُلِّ إِفْرِينٍ: هان مردمان! او را برتر دانید، که
 خداوند او را برگزیده؛ و پیشوایی او را بپذیرید، که خداوند او را برپا کرده
 است، هان مردمان! او از سوی خدا امام است و هرگز خداوند توبه منکر
 او را نپذیرد و او را نیامرزد، این است روش قطعی خداوند، درباره ناسازگار
 علی و هرآینه او را به عذاب دردناک پایدار کیفر کند، از مخالفت او بهراسید

و گرنه در آتشی در خواهید شد که آتش گیره آن مردماند و سنگ، که
برای حق ستیزان آماده شده است))

۳- گرفتار نفاق و شقاق

سومین خصیصه ای که در خطبه غدیریه برای منکرین ولایت آمده
است (اهل شقاق و نفاق) بودن این جماعت اموی مسلک است. از همین رو
در خطبه آمده است :

((أَلَا إِنَّ أَعْدَاءَ عَلِيٍّ هُمْ أَهْلُ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَالْحَادُونَ وَ هُمُ الْعَادُونَ وَ
إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ الَّذِينَ يُوجِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا : آگاه
باشید! که دشمنان علی (ع) همان معاندان و منافقان و مخالفان و همان
دشمنان و برادران شیاطین اند))

۴- حبط اعمال منکرین ولایت

چهارمین خصوصیت منکرین ولایت حبط اعمال است، به این معنا منکرین
ولایت اگر همه روزهای سال را روزه بگیرند، و همه شب هارا نماز بخوانند،
و هر سال از عمرشان رابه حج بروند، و همه اموال را انفاق کنند، ولی منکر
ولایت امام علی علیه السلام باشند هیچیک از اعمالشان در پیشگاه الهی
مورد قبول واقع نمی شود از همین رو در خطبه آمده است:

((مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ، فَمَنْ لَمْ يَأْتُمْ بِهِ
وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامَهُ مِنْ وَوَلَدِي مِنْ صَلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ
عَزَّوَجَلَّ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ (فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) وَ فِي النَّارِ هُمْ

خَالِدُونَ ، (لَا يَخْفَفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يَنْظُرُونَ) : هان مردمان ! خداوند عزوجل دین را با امامت علی تکمیل فرمود: ینک آنان که از او و جانشینانش از فرزندان من و از نسل او - تا برپایی رستاخیز و عرضه ی بر خدا - پیروی نکنند ، در دو جهان کرده هایشان بیهوده بوده در آتش دوزخ ابدی خواهند بود ، به گونه ی که نه از عذابشان کاسته و نه برایشان فرصتی خواهد بود.))

۵- مجازات سخت اخروی مخالفین ولایت

پنجمین خصیصه منکرین ولایت امام علی علیه السلام مجازات سخت و عذاب الیم در آخرت است از همین رو در خطبه غدیریه آمده است:

((أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَصْلُونَ سَعِيرًا. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَيْهَمَ شَهِيْقًا وَ هِيَ تَفُورُ وَ يَرُونَ لَهَا زَفِيرًا. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللهُ فِيهِمْ) : كَلِمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا) الْآيَةُ. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: (كَلِمَا أَلْقَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَ قُلْنَا مَا نَزَّلَ اللهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ) إِلَى قَوْلِهِ: (أَلَا فَسْحَقًا لَأَصْحَابِ السَّعِيرِ). أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ أَجْرٌ كَبِيرٌ: هان! دشمنان آنان آن کسانی اند که در آتش در آیند. و همانا ناله ی افروزش جهنم را می شنوند در حالی که شعله هی آتش زبانه می کشد و زفیر (صدی بازدم) جهنم را نیز درمی یابند . هان! خداوند درباره ی ستیزگران با آنان فرموده: «هرگاه امتی داخل جهنم شود همتی خود را نفرین کند.» هشدار! که دشمنان امامان همانانند

که خداوند درباره ی آنان فرموده: «هر گروهی از آنان داخل جهنم شود
نگاهبانان می پرسند: مگر برایتان ترساننده ی نیامد؟! می گویند: چرا
ترساننده آمد لیکن تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند وحی نفرستاده و شما
نیستید مگر در گمراهی بزرگ!» تا آن جا که فرماید: «هان! نابود باد
دوزخیان.»»!